



## Future commanders need, emergent educational content

Shahriar Fahami<sup>1✉</sup> & Ahmad Reza Nasr Isfehani<sup>2</sup> & Hossein Moslemi<sup>3</sup>

1. PhD Student, Department of Curriculum, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Isfahan University, Isfahan, Iran. Email: Sh.Fahami@edu.ui.ac.ir.

2. Professor, Department of Curriculum, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Isfahan University, Isfahan, Iran. Email: arnasr@edu.ui.ac.ir.

3. Assistant Professor, Department of Defense Management, Faculty of Defense Management, Command and Staff University, Tehran, Iran. Email: Hussin1364@yahoo.com.

### Article Info

#### Article type:

Research Article

#### Article history:

Received

2024/07/24

Received in revised form

2024/09/30

Accepted

2024/10/29

Published online

2024/12/20

#### Keywords:

*Content of Military Education, DAFOOS, Emergent content, Military Curriculum.*

### ABSTRACT

**Objective:** The purpose is to examine the views of professors and students about the content of the DAFOOS Course. Content is one of the main elements of curricula and army commanders should be fed with rich content. Their intellectual and practical ability guarantees victory in wars and protection of the country, which is deeply dependent on the quality of the content of the DAFOOS Course.

**Methodology:** The type of applied research and the method is descriptive-analytical with a mixed qualitative/quantitative approach. In the qualitative part, the interpretative method was an analysis of themes with the interview tool (29 samples), and in the quantitative part, the survey (149 samples) with the questionnaire tool. The first statistical population was the professors and in the quantitative part, the students of the 33rd course. The data collection method is library and field, and MAXQDA and SPSS software were used.

**Findings:** The basics of content production in DAFOOS are diverse and more focused on the topics of the third pillar and joint missions. Professors' and students' standpoints differ in content quality and updates. Arrangements for updating the content are dynamic, and balances in the organization of the content are observed. The respondents consider general and ideological content in need of improvement and specialized content to be sufficient. The content was evaluated relatively favorably from the student's point of view.

**Originality:** producing and maintaining the quality of content is a dynamic process and the content must be effective and emergent.

**Cite this article:** Fahami, Shahriar, Nasr Isfehani, Ahmadsreza, & Moslemi, Hossin. (2024). Future commanders need, emergent educational content. *Management of Defense Human Capital*, 4 (15), 43-74

DOI: 10.22034/JDHCM.2024.2045218.1124



**Publisher:** AJA Imam Ali Military University





## نیاز فرماندهان آینده، محتوای آموزشی روینده

شهریار فهامی<sup>۱</sup>، احمدرضا نصر اصفهانی<sup>۲</sup>، حسین مسلمی<sup>۳</sup>

۱- نویسنده مسئول، گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، ایران. رایانامه: Sh.fahami@Edu.ui.ac.ir  
مقاله مستخرجه از پایان نامه دکترا با عنوان «ارزیابی برنامه درسی دوره دافوس آجا» است.  
۲- گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، ایران. arnasr@edu.ui.ac.ir  
۳- دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، رئیس پژوهشگاه عالی جنگ، رایانامه: Hussin1364@yahoo.com

### اطلاعات مقاله چکیده

**نوع مقاله:** مقاله پژوهشی  
**تاریخ دریافت:** ۱۴۰۳/۰۵/۰۳  
**تاریخ بازنگری:** ۱۴۰۳/۰۷/۰۹  
**تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۳/۰۸/۰۸  
**تاریخ انتشار:** ۱۴۰۳/۰۹/۳۰  
**کلید واژه‌ها:** برنامه‌درسی‌نظامی، دافوس محتوای آموزش نظامی، محتوای روینده.

**زمینه و هدف:** محتوا مهم‌ترین عنصر برنامه‌های درسی در تمام سطوح است. هدف بررسی دیدگاه اساتید و دانشجویان دانشگاه فرماندهی و ستاد درباره محتوای دوره دافوس است. **روش پژوهش:** کاربردی و روش، توصیفی تحلیلی با رویکرد آمیخته کیفی-کمی است. در بخش کیفی، روش تفسیری تجزیه تحلیل مضامین با ابزار پرسشنامه بود. جامعه آماری اول، اساتید و در بخش کمی، پیمایش (۱۴۹ نمونه) با ابزار پرسشنامه بود. جامعه آماری اول، اساتید و در بخش کمی، دانش‌آموختگان دوره ۳۳ بودند. نحوه جمع‌آوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و میدانی بوده و از نرم‌افزارهای MAXQDA و SPSS استفاده شد.

**یافته‌ها:** مبانی تولید محتوا در دافوس، متنوع و بیشتر متمرکز بر مباحث رکن ۳ و ماموریت‌های مشترک است. دیدگاه اساتید و دانشجویان، درباره کیفیت و به روز بودن محتوا تفاوت دارد. به روز رسانی محتوا پویا بوده و وجود تعادل‌ها در سازماندهی محتوا، رعایت می‌شود. از دید پاسخگویان، محتوای عمومی و عقیدتی نیازمند اصلاح و محتوای تخصصی بسنده بوده و نهایتاً، محتوا از دید دانشجویان، نسبتاً مطلوب ارزیابی شد.

**نتیجه‌گیری:** تولید و حفظ کیفیت محتوا، فرآیندی پویاست و محتوا باید جذاب و اثربخش باشد. توجه به جنگ‌های آینده، نیازهای فرماندهان فردا و تناسب محتوا با محیط، در هنگام تدوین محتوا ضروری است.

**استناد:** فهامی، شهریار؛ نصرافهانی، احمدرضا؛ و مسلمی، حسین (۱۴۰۳). نیاز فرماندهان آینده، محتوای آموزشی روینده. فصل‌نامه مدیریت سرمایه انسانی دفاعی، ۴ (۱۵)، ۷۴-۴۳



DOI: 10.22034/JDHCM.2024.2045218.1124

ناشر: دانشگاه افسری امام علی (ع)

## مقدمه:

در تمام تمدن‌های باستانی هند، یونان، مصر، چین و از جمله ایران، همواره نظام‌های آموزشی، به ویژه آموزش و پرورش نظامی وجود داشته که تجارب خود را به جوانان و فرزندان خود انتقال می‌داده‌اند. «در دینکرد (دانشنامه آیین مزدا) آمده: تربیت را باید مانند زندگانی مهم برشمرد و هر کس به وسیله پرورش، خود را به جایگاه ارجمند برساند. خدمت به خود، خانواده و کشور، مهم‌ترین اهداف تربیتی در ایران باستان بوده است» (حاجی میرآقا و زنجیری، ۱۳۹۵: ۳-۴). در قرون وسطی در غرب، «آموزش و پرورش به شدت تحت تاثیر مسیحیت بود و رهبران کلیسا مسؤولیت آموزش و پرورش را برعهده داشتند» (دانشور به نقل از دهقانی و چرابین، ۱۳۹۶: ۴). در همان اوان «در ایران قرون میانه، اقدامات آموزشی مختلفی صورت گرفت. در دوران اسلامی، آموزش و پرورش ساسانی منهدم شده و مساجد مهم‌ترین اماکن تعلیم و تربیت شدند» (دُرانی، ۱۳۷۸: ۵۴).

خواجه نظام‌الملک به ساخت و تجهیز مدرسه‌هایی فرمان داد که به نظامیه شهرت یافتند. نظامیه‌ها در بغداد، نیشابور، اصفهان، بلخ، مرو و آمل ساخته شده، به صورت شبانه‌روزی اداره گشته و هزینه آنها را حکومت می‌پرداخت. نظامیه‌ها برنامه آموزشی منسجمی داشتند که زیر نظر خواجه تنظیم شده و تا ۱۵۱ سال بعد با کمترین تغییر پیگیری شد (مهجن آبادی، ۱۳۹۸: ۹).

در غرب بعد از رنسانس<sup>۱</sup>، آموزش و پرورش در کل عرصه‌های عمومی، حرفه‌ای و نظامی دستخوش تحول شد. با تغییرات بوجود آمده در روش‌های آموزشی، رشد علوم شتاب گرفته و اختراع جنگ افزارهای مدرن نیز یکی از تجلیات آن بود (برزینکا<sup>۲</sup>، ۱۹۵۷: ۷۶). در دوران مدرن، طبیعتاً، آموختن کاربرد صحیح سلاح‌های جدید، فنون رهبری، مدیریت منابع انسانی مرکب و فرماندهی یگان‌های بزرگ چند تخصصی، از ضروری‌ترین نیازهای افسران در ارتش‌ها شد و مولتکه<sup>۳</sup> اولین نوع آموزش‌های ویژه فرماندهان سطوح بالا در ارتش آلمان را پایه‌گذاری کرد که با استقبال سایر کشورها روبرو شد (ویکی‌پدیا، مولتکه).

1 - Renaissance

2 - Brezinka, W.

3 - Moltke, H, V.

در زمان شاه عباس صفوی، ارتباط با کشورهای اروپایی برقرار گردیده و دانش و فنون نوین، کم‌کم به ایران وارد شد. تا به حکومت رسیدن قاجارها، ایران مجدداً یک دوره طولانی غارت و ناآرامی را تجربه کرد و در دوران قاجار نیز، در سراسیابی انحطاط افتاد. امیرکبیر با اعزام دانشجو به خارج و ساخت دارالفنون، سنگ بنای اصلاح ساختار آموزشی (بالاخص آموزش نظامی) را ایجاد کرد ولی بعد از او، مجدداً ایران تا زمان کودتای رضاشاه فقید در سوم اسفند ۱۲۹۹، مانند جزیره‌ای منزوی، از جهان و تحولاتش غافل مانده بود. پس از جنگ‌های جهانی اول و دوم، کشورهای شرقی و ایران فهمیدند که در معادلات قدرت در دنیای نوین، هیچ جایگاهی ندارند و باید دست به اقداماتی بزنند. با تشکیل ارتش مدرن و دانشگاه جنگ در سال ۱۳۱۲، ضرورت نگاهی نو به آموزش و پرورش نظامی احساس شده و دانشگاه جنگ در همان سال دوره فرماندهی را تشکیل داد. بعد از چند دهه وقفه (به علی چون جنگ جهانی دوم و اشغال کشور، گذار حکومت از پهلوی اول به دوم، بروز انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی)، در «سال ۱۳۶۱، دانشگاه فرماندهی و ستاد (دافوس) مجدداً بازگشایی و به تعلیم فرماندهان ارتش همت گماشت. در سال ۱۳۶۹ با تصویب قانون ارتش ج.ا.ا دانشگاه‌های فرماندهی و ستاد زمینی، هوایی و دریایی در یکدیگر ادغام شدند» (خالدزاده، ۱۳۷۴: ۹۲).

مسئله موجود این است که آیا محتوای امروز دوره دافوس، پاسخگوی نیاز فرماندهان در محیط‌های به شدت ناشناخته و متغیر آینده هست؟ یا به علت تغییر محیط‌ها، تغییر نوع، شکل و اندازه تهدیدها و شرایط دیگر، محتوای آموزشی در دافوس، نیازمند به روزرسانی و بازنگری مداوم است؟ با قبول حالت دوم، باید دید چه نوع محتوایی لازم است؟ نتایج پژوهش، نحوه حل این مساله را، ترویج تولید محتوای روینده پیشنهاد می‌کند. پیامد این نوع محتوا این است که، اساتید دافوس، جهت وضعیت‌ها و شرایط ناشناخته جدید، قدرت پیش‌بینی، آینده‌نگری و خلاقیت فراگیران را تقویت نموده، فقط به محتواهای قدیمی و ثابت متکی نمانند. نهایتاً، اساتید و فراگیران، با مشارکت جمعی و تبدیل هر فرمانده، به یک «یادگیرنده مادام‌العمر»<sup>۱</sup>، باعث می‌شوند تا خود دانشجویان نیز، قادر به تولید محتوای مورد نیاز خویش جهت وضعیت‌های متغیر در جنگ‌های ناشناخته آینده شوند.

<sup>۱</sup> - ر ک به: کتاب پنجمین فرمان، اثر پیتر سنج، تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۷۵.

هدف پژوهش، بررسی یک ضرورت مهم یعنی لزوم، موثر بودن آموزش در دوره دافوس است که کاملاً منوط به کیفیت محتوای دوره است. اثربخشی آموزشی، تحت تاثیر عوامل مختلفی از جمله محتوا است و تمرکز این مقاله بر بررسی نقش محتوا قرار گرفته است.

**اهمیت پژوهش:** مطابق تئوری‌های موجود در حوزه سازمان و مدیریت، صلاحیت مدیران، تحت تاثیر عوامل سه گانه: «قابلیت ذاتی، کیفیت آموزش و تجارب عملی» آنها است. ارتش و دافوس، انتظار دارند که آموزش، نقش قابل توجهی در ارتقاء صلاحیت و توان فرماندهان ایفا نماید. از آنجا که توانایی فرماندهان ارتش یک از ارکان مهم بازدارندگی دشمنان، پیروزی در جنگ، رضایت منابع انسانی، کاهش هزینه‌ها و تلفات سازمانی است، لذا دقت در نوع و کیفیت محتوای برنامه‌های درسی یک ضرورت واضح است.

نوآمان<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۷) می‌گویند که دانشگاه‌ها ملزم به ارائه و حفظ کیفیت برای محیط آموزشی بر اساس استاندارد و معیارهای کیفیت آموزش عالی (HEQC)<sup>۲</sup> هستند که این کیفیت شامل کیفیت محتوا نیز می‌شود.

هارتوگ<sup>۳</sup> (۲۰۱۶) معتقد است که استانداردهای کیفیت ممکن است توسط افراد حرفه‌ای و متخصص (مانند اساتید نظامی) یا از سوی سازمان‌های حرفه‌ای رسمی شده (مانند ارتش) مورد حفاظت و حراست قرار گرفته و تأیید شوند. برنامه درسی، قلب نظام‌های آموزش عالی است و در بهبود و پیشرفت نظام آموزشی، ایجاد تحول در اجتماع و خلق تغییرات پایدار در افراد، تاثیرگذار هستند. محتوای این برنامه‌ها، باید مطابق با نیازها و تحولات محیط‌های بیرونی (جامعه) و درونی (سازمان) تغییر کنند تا مهارت‌ها و دانش‌های لازم برای ایفای نقش در دنیای پیچیده امروز و فردایی پر از ابهام را برای دانشجویان فراهم سازند (خاکباز و همکاران، ۱۳۸۹؛ فرنگ، ۱۳۹۶). آینده روند گذشته نبوده و سرشار از غافلگیری‌هاست. به عنوان مثال، تصور نمی‌شد یک ویروس (کرونا)، به چنان تهدید جهانی بزرگی بدل گردد. (یونیسف<sup>۴</sup>، ۲۰۱۹).

چون آینده مشحون از ناشناخته‌هاست، پس باید محتوایی آموزشی برای فراگیران تدارک شود تا آنها خود، در هر شرایط جدید بتوانند واکنشی مناسب، به موقع و موثر نشان دهند.

<sup>۱</sup> - Noaman, A, Y. et al.

<sup>۲</sup> - High Education Quality Criteria

<sup>۳</sup> - Hartog

<sup>۴</sup> - Unicef.org/crona/iran/ - بیماری - ویروس - کرونا

**خلاء تحقیقاتی و نوآوری پژوهش:** به علت محرمانگی و محدودیت‌ها، میزان تحقیقات با نگاه بیرونی در ارتش و دافوس محدود است. نظام‌های ارزیابی جهانی آموزش عالی، ضرورت ارزیابی و نگاه بیرونی را نیز توصیه کرده و آنرا ضروری می‌شمارند. در مطالعات کتابخانه‌ای مشخص گردید که، پژوهش‌های قبلی در زمینه آموزش، اغلب با نگاه درونی و توسط محققان شاغل در ارتش انجام شده و به صورت تخصصی محتوای دوره دافوس را واکاوی نکرده‌اند. به همین دلیل، پژوهش حاضر تلاش نموده با انجام یک پژوهش با نگاه بیرونی، بخشی از این خلاء موجود را پر نماید

**سئوالات پژوهشی:**

۱. از دید اساتید و مسئولان، محتوای آموزشی دوره چه کیفیتی دارد و چطور تدوین می‌شود؟
۲. از دید دانش آموختگان محتوای دوره دافوس چگونه است؟
۳. چه محتوایی برای آمادگی فرماندهان جهت مواجهه با آینده مناسب‌تر است؟

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

**مبانی نظری:** عنصر محتوا، یکی از مهم‌ترین عناصر هر برنامه درسی است. «کتاب درسی زمانی می‌تواند به تحقق اهداف آموزشی کمک کند که دارای محتوایی غنی و پربار بوده و در پاسخگویی به نیازهای بازار کار، با موفقیت عمل نماید» (ذوالجناحی، ۲۰۰۸). پس از تشخیص نیازها و تعیین هدف‌های آموزشی، لازم است به تعیین محتوا و سازماندهی آن پرداخته شود. محتوا یکی از عناصر عمده‌ای است که هدف‌های برنامه، یعنی یادگیری مورد نظر، از طریق آن تحقق می‌یابد. «محتوا چیزی است که قرار است آموزش داده شود و می‌خواهیم یاد گرفته شود» (میرزا بیگی، ۱۳۸۰: ۱۶۰). محتوا یکی از مهم‌تری عناصر هر برنامه درسی است و دو نوع محتوای مکتوب و شفاهی در هر ماده درسی قابل شناسایی است که «نوع مکتوب آن، همان کتب درسی و ابزار اصلی در تمام مدارس است» (وست باری، ۱، ۱۹۹۱) و محتوای شفاهی، به سخنان معلم و رفتار غیر کلامی او در کلاس درس اشاره دارد. محتوای کتاب‌های درسی را نیز می‌توان به دو بخش: محتوای علمی و اجتماعی

تقسیم کرد. محتوای علمی، مجموعه اطلاعات و مهارت‌هایی است که فراگیر باید آن را در یک دوره خاص و یک زمینه خاص به دست آورد. این، علاوه بر دانش و اطلاعات در یک موضوع، مهارت‌هایی مانند حل مسئله، تفکر انتقادی و دیگر مهارت‌های کلی را نیز شامل می‌شود. «محتوای اجتماعی، ارزش‌ها و نگرش‌هایی است در باره مذهب، نژاد، جنسیت، اقتصاد، اجتماع، عدالت و حقوق مدنی، که از طریق محتوا انتقال می‌یابند» (جمالی زواره و همکاران، ۱۳۸۸).

### معیارهای انتخاب محتوای برنامه درسی

«چگونگی انتخاب محتوا، به شخص (برنامه ریز و معلم) و دیدگاهش در باره اهمیت نقش فراگیر و مدرس، هنجارها و روش‌های تدریس و تقاضاهای آموزشی جامعه بستگی دارد (کنن و نیویل ۱ ۱۳۸۸ : ۱۶۴-۱۷۰)». چند معیار دیگر انتخاب محتوا عبارتند از:

معیارهای دانشجویی مرتبط با ویژگی‌های فراگیران، مانند این که محتوا، تجارب زندگی آنها را در نظر گرفته، انعکاسی از سابقه علمی، نیازها و علایقشان بوده و با توجه به بلوغ فکری‌شان تهیه شود. در دافوس که فراگیران بزرگسال و مجرب‌اند این معیار مهم است. معیارهای فلسفی بر مبانی ارزشی و نظری استوارند مانند این که محتوا به خودی خود هدف نیست، بلکه وسیله دستیابی فراگیران به رشد فکری است لذا بهتر است مشارکتی و روینده باشد. همچنین، مواد درسی تخصصی به عنوان محتوا، کافی نیستند و محتوا باید ملاحظات اخلاقی و ارزشی (جهانی و ملی) را نیز پوشش دهد. محتوا باید منجر به ایجاد درک عمیق فراگیران از دانش شود نه فقط یک درک سطحی، ابتر و نارسای مخدوش.

معیارهای روانشناختی شامل کاربرد نظریه‌های یادگیری و روانشناسی در تدریس است، مثلاً لزوم پیوستگی دقیق محتوا، تا مانع پراکنده‌کاری شده و تعمیق یادگیری رخ دهد، یا کمک به رشد افراد، به عنوان فراگیران مستقل و مادام‌العمر و آفریدن فرصت‌هایی، تا

ضمن تأکید بر مهارت‌های عقلانی سطح بالا چون حل مسئله و تفکر انتقادی، فرصت‌هایی را برای رشد نگرش‌ها و ارزش‌ها نیز برای آن‌ها فراهم سازد. معیارهای اجرایی مانند قابل تدریس بودن محتوا، ترکیبی و قابل دسترس بودن آن (در کتابخانه فیزیکی، الکترونیک) و تناسب محیط فیزیکی و امثالهم برای انتقال آن است. معیارهای حرفه‌ای، محتوا را ملزم می‌کند تا مقررات قانونی و حرفه‌ای لازم را به روشنی منعکس کند و به اخلاق حرفه‌ای نیز توجه کافی داشته باشد (فرنگ و قاسم‌زاده، ۱۳۹۶).

### اصول سازماندهی محتوا که مورد تأکید صاحب‌نظران قرار گرفته عبارتند از:

- ۱- استفاده از یک روش سازماندهی متداول و شناخته شده.
- ۲- سیر حرکت محتوای ارائه شده از مطالب معلوم به سوی مجهول‌ها.
- ۳- ترتیب تهیه و ارائه محتوا از مطالب ساده به طرف مطالب پیچیده و مشکل.
- ۴- حرکت محتوا از کل به جزء (به جز در موارد خاص و با دلایل متقن و منطقی).
- ۵- رعایت ترتیب عملکرد شغلی در محتوا (طبق روال عادی انجام وظایف) (فرنگ، ۱۳۹۶: ۶).
- ۶- رعایت توالی مطالب (چهار نوع: آسان به مشکل، کل به جزء، زمانی و مبتنی بر پیش نیاز).
- ۷- استمرار (چگونگی یادگیری در طول دوره که افقی - تجارب روزانه - یا عمودی - کل دوره - است).
- ۸- وسعت (با توجه به اهداف، گاه وسعت مد نظر برنامه ریز درسی است و گاه عمق اولویت است).
- ۹- هجده نوع تعادل، در انتخاب محتوای هر برنامه درسی باید مورد توجه باشد از جمله، تعادل بین نیازهای فردی و اجتماعی و تعادل بین نیازهای سازمان و جامعه (اولیوا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴).

توالی و وسعت، مهم‌ترین اصول بوده و اگر منطقی تنظیم نشوند، محتوا معنادار نبوده، همبستگی لازم نیافته و قابل تدریس و پیاده شدن در زمان تخصیصی نخواهد بود. در چند دهه اخیر، مسائل آموزش عالی تغییر یافته و استانداردهای کیفیت دستخوش تحول شدند. در «جنبش نومفهوم‌گرایی» به سردمداری پینار<sup>۲</sup>، در برنامه‌های درسی انواع

<sup>1</sup> - Oliva, P, F.

<sup>2</sup> - Pinar, W, F.

مختلفی از محتوا، مفاهیم و تمرینات در حوزه‌های، تاریخ، سیاست، نژاد، جنسیت، پدیدارشناسی، زندگی‌نامه و زیبایی‌شناسی تست شد. یعنی تغییر از بوروکراتیزه<sup>۱</sup> کردن تجربه<sup>۲</sup> تحصیلی به کاوش فکری و محتوای روینده مشارکتی در کل و فراتر رفتن از نسخه‌های تایلر<sup>۲</sup> در زمینه<sup>۲</sup> تعلیم و تربیت.

این عقاید نو، علیرغم مشابهت تاثیرش با انقلاب کوهنی<sup>۳</sup>، تا آغاز قرن ۲۱ کند پیش رفت. هدف جنبش مذکور، درک عمیق و همه جانبه محتوا و برنامه بود نه فقط اجرای آن. این شامل آموزش معلمان و فراگیران برای مواجهه با یک جامعه<sup>۴</sup> چند فرهنگی، پیشرفت با بین‌المللی سازی و درک محتوا به عنوان یک متن پدیدار شناختی و ساختار شکن، روانکاوی اجتماعی و آگاهی ارتقا یافته<sup>۵</sup> توام با یک انقلاب فرهنگی آینده‌نگر بوده است (آثار پاینار از سال ۱۹۷۴ تا سال ۲۰۰۷).

محتوا باید حاوی صدهای چندگانه، راه حل‌های بدیع جایگزین، گفتمان و بهره‌مند از خرد جمعی باشد. تغییر از متن مونولوگی<sup>۴</sup> کتاب به حالت دیالوگی<sup>۵</sup>، یعنی ارتباط معلم و فراگیر با وبسایت‌ها و سایر منابع تولید محتوا و فراتر رفتن از انجماد در یک منبع و یک محتوای محدود (ضرغامی و همکاران، ۱۴۰۱).

ایده برنامه درسی و محتوای «روئیدنی»<sup>۶</sup> بر مبنای علایق و فعالیت‌های فراگیران استوار بوده و علایق نوظهور آن‌ها جایگزین برنامه و محتوای از پیش تعیین شده گردیده، فرآیند آموزش را هدایت می‌کند (نیمو ۱۹۹۵).

این محتوا در کلاس، لحظه و با مشارکت جمعی پدیدار می‌شود. هنری‌ترین شکل محتوا و برنامه، نوع روئیدنی است. در دوره ابتدایی، بیشتر کلاس‌ها روئیدنی هستند و به همین دلیل گاه معلم‌ها احساس ضعف می‌کنند و پیامدهایی خودجوشی را شاهدند. دانش مطلق قابل کاربردی در هر موقعیت نداریم و باید سازنده‌گرایی رایج شود. طبق نظریه شناختی

<sup>۱</sup> به شکل یک فرآیند اداری دیوانسالارانه در آوردن آموزش که یک آفت است. Bureaucratized -

<sup>۲</sup> - Tyler, R.

<sup>۳</sup> - Kuhn, T, S.

<sup>۴</sup> - Monologue تک‌گویی

<sup>۵</sup> - Dialogue گفتگوی چند گانه، گفت و شنود و ارتباط متقابل

<sup>۶</sup> - Emergent

<sup>۷</sup> - Nimmo, J.

پیازه،<sup>۱</sup> کودکان با دستکاری و کاوش محیط خود، بطور فعال آگاهی کسب می‌کنند. در نظریه او، انطباق زیستی و تعادل مورد تاکید هستند که در رشد موثرند. شاید برای مواجهه با آینده‌ای مبهم، بقول مسیح(ع) بهتر باشد کودک شویم و یادگیری خلاق و روینده بیابیم. محتوای برنامه‌های درسی افسران ارشد، به مسائل خاصی می‌پردازد که باید در برنامه درسی دوره دافوس گنجانده شوند. موضوعات اصلی، مواردی چون استراتژی نظامی، نظریه‌های راهبردی و رهبری، ژئوپولتیک و دوره‌های تخصصی مانند جنگ سایبری و عملیات روانی را پوشش داده و هدف این است که، اطمینان حاصل شود آموزش، درک جامعی از مفاهیم مرتبط و مهارت‌های مورد نیاز رهبری ارشد نظامی را به آن‌ها ارائه دهد. در دانشگاه‌های نظامی، از قدیم تا کنون، این بحث محل مناقشه بوده که باید محتوایی برای ارتقا قابلیت نوشتن، آیین سخنوری، آشنایی با اقتصاد، سیاست، هنر، جامعه‌شناسی و فرهنگ برای افسران ارشد تدارک ببینند یا فقط بر دروس نظامی متمرکز بمانند. موضوعات اصلی و محتوای دروس دانشکده جنگ ارتش ایالت متحده آمریکا، در کتابچه معرفی برنامه درسی سال تحصیلی ۲۰۲۲-۲۰۲۳ شامل مواردی است که با محتوای دوره دافوس آجا شباهت‌ها و مغایرت‌هایی دارد. به عنوان مثال برگزاری نشست با نمایندگان مجلس و صاحبان صنایع مهم و بازرگانان بخش خصوصی در برنامه آنها هست ولی در دافوس آجا این موارد دیده نشده است.

بعضی از محتواهای مشابه دو دوره نیز عبارتند از:

۱. جنگ، سیاست و راهبرد امنیت ملی
۲. رهبری راهبردی (نظریات راهبردی و رهبری)
۳. راهبرد لشکرکشی (ماموریت‌های دور و نزدیک)
۴. مدیریت دفاعی (بازدارندگی، دفاع)
۵. یکپارچه (یکپارچه سازی چالش‌های نوظهور)
۶. مطالعات راهبردی (استراتژی‌های نظامی)
۷. هنر راهبردی (فرماندهی نیروهای مشترک)

<sup>1</sup> - Piaget, J.

۸. تاریخ نظامی و بازدید از مکان نبردهای تاریخی

۹. دوره‌های تخصصی (سایبر، آینده پژوهی)

۱۰. فرماندهی بکپارچه و واحد (فهامی، ۱۴۰۲).

در دوره فعلی دافوس آجا، سه نوع متمایز از محتوا به شرح زیر قابل تشخیص است:

۱- محتوای نظامی. این نوع، در دو بخش آموزش‌های تخصصی نیروئی و آموزش‌های مشترک (مانند تاریخ نظامی، جنگ روانی و امثالهم) توزیع شده است. محتوای نظامی با الگوبرداری از دانشگاه‌های نظامی معتبر جهان، تجارب جنگ تحمیلی و جنگ‌های معاصر در منطقه، مطالعات پژوهشی و رصدی ارتش، تبادل تجارب و اطلاعات با هم پیمانان، و اعلام نیاز نیروهای چهارگانه، فراهم گردیده که مجموعه‌ای متنوع و وسیع است. هدف این نوع محتوا، تقویت قابلیت‌های رهبری فرماندهان آینده، در دو زمینه فرماندهی و ستادی و توانایی کار مشترک با سایر نیروها به صورت هماهنگ است.

۲- محتوای مدیریت عمومی. این نوع محتوا که به منظور تامین نظر، الزامات و توصیه وزارت علوم، تهیه و ارائه می‌گردد، یک مجموعه محتوای غیر نظامی است که به دروس مشترک مشهورند. هدف این محتوا، تقویت مهارت‌های مدیریتی و پژوهشی فرماندهان بوده و شامل دروسی چون رفتار سازمانی، آمار، روش تحقیق و امثالهم است.

۳- محتوای عقیدتی. این نوع از محتوا، عمدتاً شامل مباحث دینی، مذهبی و ارزشی است که معطوف به تامین نظر حاکمیت، جهت تثبیت ارزش‌های مورد نظر عقیدتی و سیاسی است. هدف این نوع محتوا، ایجاد انسجام و هماهنگی بیشتر میان فرماندهان رده بالای ارتش (مقامات لشکری) با مدیران و مسئولان اجرایی کشور (مقامات کشوری)

و نیروهای سیاسی، امنیتی، یعنی فرمانده کل قوا و سایر قوای سه گانه است.

- عباسیان و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «توسعه مدل پیش بینی عوامل اثرگذار بر آموزش های نظامی با هوش مصنوعی» اردوهای افسران را از سال های ۹۸ الی ۱۴۰۱ بررسی نمودند که جای محتوا در آن خالی ست ولی ابزار انتقال محتوا (وسایل آموزشی و کمک آموزشی) را بررسی کردند که میانگین آن در بین ۹ عامل محاسبه شده، رتبه هفتم داشت. اگر محتوا نیز در مدل گنجانده می شد قطعاً تاثیر محتوا و ابزار انتقال آن ممکن بود یکی از موثرترین عوامل اثرگذار بر کیفیت آموزشی باشد.
- ظریف منش (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «نیازسنجی آموزش سطوح راهبردی دوره دکترای اندیشه نظامی» پیشنهاد کرد که مسئولان نیروهای مسلح، با تمرکز بر نیازسنجی آموزشی، باید محتوای درسی رشته های تحصیلی دانشگاه ها را، مبتنی بر اهداف و ماموریت های ابلاغی مورد بازنگری قرار داده و بر اساس نیازهای حوزه دفاعی به تدوین محتوا بپردازند.
- بوستانی (۱۴۰۰)، در پژوهش «سنجش اثر بخشی محتوای آموزشی گات زمینی دافوس آجا» به این نتیجه رسیده که بعضی از محتواها از جمله محتوای کتاب جنگ ناهمتراز، با میانگین ۳٫۶۶ اثربخشی متوسط به بالایی دارند ولی به دلایلی باید با مشورت با فرماندهان تیپ های عملیاتی بازبینی، و مورد به روز رسانی قرار گرفته و غنی تر شوند.
- بهارلو (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «همبستگی برنامه های درسی مرکز آموزش مهندسی نزاچا با نیازهای دانشی جنگ های آینده» به این نتیجه رسید که محتوای موجود دوره مذکور، با نیازهای دانشی جنگ های آینده سازگار نیست.
- فرنگ و قاسمزاده (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «محتوای برنامه درسی در بهبود کیفیت آموزشی در دانشگاه ها» به این نتیجه رسیدند که محتوا یکی از بهترین ابزارهای تحقق رسیدن دانشجویان به تعهد اجتماعی است لذا باید محتوای اجتماعی نیز در کنار محتوای علمی در تمام دوره های دانشگاهی حتماً تدارک دیده شود.
- عباسیان و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش «ارزیابی برنامه درسی دانشگاه افسری نیروی زمینی امام علی ع» دریافتند که، فقط ۵۴٪ اساتید و ۲۴٪ دانشجویان، محتوای دوره را منطبق با اهداف آموزشی برنامه درسی می دانند که ضرورت بازنگری در محتوا را (بالاخص از دید دانشجویان) نشان می دهد.

- داسکالا و همکاران ۱ (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان « نسل Z و آموزش نظامی مشترک حرفه‌ای» معتقدند که دانشکده دفاع انگلستان باید برای آموزش افسران جوان، به تدوین محتوای یادگیری عملی مبتنی بر فناوری متمرکز شده و در آموزش و انتخاب محتوا، ویژگی‌های منحصر به فرد آنها را در کانون توجه قرار دهد.
- بودین و فوجی وارا ۲ (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «چالش‌های دستیابی به همگرایی جنگ اطلاعاتی در نیروی هوایی آمریکا» توصیه کردند که باید در محتوای آموزشی افسران هوانورد، مواردی جدید بگنجانند تا ارزش جنگ‌های اطلاعاتی و عملیات سایبری را دریافته و بیاموزند که دشمن چگونه از آن طریق می‌تواند بر آنها تاثیر نهاده و جانشان را در معرض خطر قرار دهد.
- اسمیت ۳ (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «قلم قدرتمندتر از شمشیر» معتقد است که در محتوای درسی افسران مهمان از کشورهای هم پیمان در دانشکده جنگ آمریکا، باید مواردی گنجانده شود تا آنها قادر به نوشتن موثر و گفتگو با پرسنل ارتش ایالات متحده و مردم آمریکا در جامعه مدنی گردند زیرا این توان برقراری ارتباط، بالاخص در سطح استراتژیک بسیار حیاتی است.
- کلی و اسمیت ۴ (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «ادغام هوش مصنوعی در آموزش نظامی حرفه‌ای» این مساله را بررسی کردند که، آیا قدرت هوش مصنوعی یک تهدید است و باید از بکارگیری آن توسط دانشجویان برای مقاله نویسی و تولید محتوا جلوگیری و اجتناب کرد؟ یا به عنوان یک ابزار موثر در ارتقا کیفیت برنامه درسی، آنرا بکار گرفته و لاقبل به اساتید به صورت قدرتمند آموزشش داد؟ محققان مذکور با دیدگاه دوم توافق داشته و معتقدند که دانشگاه‌ها باید آموزش استفاده از هوش مصنوعی را در محتوای برنامه‌های درسی خود گنجانده و تلاش نمایند، ضمن بهره‌برداری از این قابلیت، آسیب‌های آنرا نیز شناسایی، مدیریت و حداقل نمایند.
- سالو ۵ (۲۰۲۳) در مقاله‌ای با عنوان «وقتی وست پوینت نمی‌خواست موارد جدید را آموزش دهد» بیان می‌کند که در گذشته وقتی قرار شد آموزش اقتصاد و

<sup>1</sup> - Dascala et al

<sup>2</sup> - Bodin & Fujiwara

<sup>3</sup> - Schmidt, T.

<sup>4</sup> - Kelly, P. & Smith, H.

<sup>5</sup> - Salo, E.

سیاست را در محتوای دوره افسران ارشد بگنجانند، اساتید و مسئولان دو دسته مخالف و موافق این تصمیم شده بودند.

دو گروه بالاخره به این نتیجه رسیدند که اگر چه ارتش غیر حزبی است ولی این یک ضرورت مهم است که افسران ارشد ارتش، درک جامعی از مسائل جاری اجتماع، اقتصاد و سیاست یعنی مسائلی که زندگی سربازان را شکل می‌دهند داشته باشند تا بتوانند به طور موثر آن‌ها را هدایت کنند.

• مارتینز (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «صادرات نفوذ: آموزش نظامی به عنوان قدرت نرم» چگونگی استفاده از آموزش نظامی آمریکا را به عنوان یک ابزار بالفعل سیاسی اجتماعی بررسی کرده و آنرا بر امنیت، اقتصاد و سیاست کشورهای سرویس گیرنده بسیار موثر شمرده است. نتایج نشان داد که، آموزش بعنوان یک ابزار نرم‌افزاری، حتی بر تغییر سیاست و اقتصاد جهانی، انعطاف‌پذیری و سازگاری بیشتر کشورها موثر بوده و کمک می‌کند تا آمریکا به اهداف سیاست خارجی خود و ارتقا منافع ملی دست یابد.

### روش‌شناسی پژوهش

فلسفه پژوهش واقع‌گرایی، تفسیری و عمل‌گرایانه بوده و رویکرد آن، استقرایی است. راهبردهای پژوهش نیز، تحقیق آرشیوی و بررسی اسناد و منابع کتابخانه‌ای، تفسیر و تجزیه تحلیل مضامین در بخش کیفی و پیمایش در بخش کمی است. روش پژوهش استفاده شده، از نوع آمیخته کیفی - کمی است. در بخش اول، هدف، شناسایی دیدگاه‌های فرماندهان، مسئولان و اساتید دافوس در باره محتوا و منابع آموزشی، جهت ساخت پرسش‌نامه مرتبط با روش‌های تعیین محتوا و منابع، انواع و به روز رسانی آنها بود. پس از تجزیه تحلیل این یافته‌ها، شاخص‌های مهم عناصر محتوا و منابع آموزشی استخراج شد که بر اساس آن، سئوالات پرسش‌نامه طراحی گردید. بازه زمانی انجام پژوهش نیز سال تحصیلی ۱۴۰۲-۳ (مقطعی) و روش‌های گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته اکتشافی و پرسش‌نامه بوده است.

فرآیند و مراحل اجرا: به منظور گردآوری پیشینه و مبانی نظری، کار با روش سندکاوی کتابخانه‌ای آغاز و سپس، مصاحبه با فرماندهان، مسئولان و اساتید دانشگاه، تا رسیدن به اشباع نظری پیش رفت.

بر اساس یافته‌ها در بخش کیفی، شاخص‌های مهم ارزیابی محتوا و منابع درسی شناسایی شده و بر اساس آن، پرسشنامه تهیه و پیمایش انجام شد.

پرسش‌نامه تهیه شده ابتدا با ۴۰ نفر از دانشجویان، تست مقدماتی شده و پس از انجام اصلاحات لازم، با ۱۲ سوال پنج گزینه‌ای طیف لیکرت، تکمیل شد. در انتها، با تحلیل یافته‌ها، نتایج دو بخش کیفی و کمی مقایسه شده و نتیجه‌گیری‌هایی صورت پذیرفت.

جامعه آماری: محدوده جغرافیایی پژوهش، محل دانشگاه فرماندهی و ستاد در تهران و محدوده انسانی و جامعه آماری آن شامل کلیه اساتید، فرماندهان و مسئولان دافوس و ۲۵۰ نفر دانشجویان دوره ۳۳ است. محدوده زمانی پژوهش نیز سال ۱۴۰۲ بوده است.

روش نمونه‌گیری و حجم نمونه: در بخش کیفی، با روش گلوله برفی و هدفمند، با کسب دیدگاه خبرگان، با ۲۹ مصاحبه، اشباع نظری حاصل و همان تعداد حجم نمونه بخش کیفی شد. در بخش کمی، از فرمول کوکران استفاده و حجم نمونه ۱۴۹ نفر بود.

ابزار اندازه‌گیری: ابزارها در بخش کیفی مصاحبه و در بخش کمی پرسشنامه بود.

روائی و پایایی: در بخش کیفی، معیارهای اطمینان و تائید پذیری، قابلیت پذیرش و رضایت‌مندی، جهت روائی داده‌ها انتخاب و سعی شد انتخاب مصاحبه‌شوندگان به گونه‌ای باشد که، افراد خبره با تنوع جایگاه‌ها، تخصص‌ها و دیدگاه‌ها در نمونه انتخابی نماینده داشته باشند. با توجه به ترکیب جمعیتی افسران جامعه دافوس از نظر نوع نیرو، نسبت موجود برای تعداد مصاحبه‌شوندگان از هر نیرو نیز رعایت شده و از تمام نیروهای چهارگانه، افرادی انتخاب شد. به عبارت دیگر چون نسبت افسران نیروهای زمینی به کل افسران ۷۰٪، و سه نیروی دیگر یعنی هوایی، دریایی و پدافند هر کدام ۱۰٪ بود، نمونه نیز با همین نسبت انتخاب شد. جهت بررسی روائی در بخش کمی، پرسشنامه قبل از اجرا، در اختیار ده نفر از اساتید دانشگاه فرماندهی و ستاد و همچنین ده نفر از اساتید گروه برنامه‌ریزی درسی دانشگاه اصفهان قرار داده شد، تا در مورد قوت و ضعف آن اظهار نظر نمایند. با اعمال تصحیحات و نظرات تکمیلی آن‌ها، پرسشنامه در حد قابل قبولی منقح گردیده و روائی قابل اطمینان و بالایی بدست آمد.

جهت بررسی پایایی پرسشنامه از فرمول آلفای کرونباخ ۱ استفاده شد که مقدار آلفای کرونباخ عنصر محتوا ۰/۹۴۴ بدست آمده لذا از پایایی نیز اطمینان حاصل شد. روش تجزیه تحلیل یافته‌ها: جهت تحلیل کیفی داده‌ها، از دو روش ساختاری و تحلیل تفسیری استفاده شد. در روش تفسیری، پیام‌های نهفته در متن مصاحبه‌ها آشکار گردیده و به طور کامل با جزئیات، طبق توصیۀ رضویه (۱۳۹۰) و گیلهام (۱۳۹۳) نوشته شد. در این روش، مفاهیم، کلمات، عبارات و ارتباط میان آن‌ها، برحسب تعداد و میزان تکرار در متن، شمارش و با این هدف بررسی می‌شوند که، الگوهای موجود در گفته‌ها کشف شده و به شکل، مقوله‌ها و زیر مقوله‌هایی متجانس و متمایز، تفکیک، تلفیق و سپس و دسته‌بندی شوند. جهت تحلیل داده‌های کمی، علاوه بر تحلیل‌های توصیفی، از آنجایی که متغیرهای «محل خدمت، میزان سابقه در ارتش، رسته‌ها، نوع تحصیلات قبلی و مشاغل آن‌ها همگی بیش از دو سطح داشتند، آزمون آنوا مناسب تشخیص داده شده و به کار گرفته شد که برای متغیرهای چند سطحی ابداع گردیده است.

**یافته‌ها - سؤال اول: از دید اساتید و مسئولان، محتوای آموزشی دوره چه کیفیتی دارد و چطور تدوین می‌شود؟** برای یافتن پاسخ این سؤال، در بخش کیفی پژوهش، با تمام ۲۹ نفر اعضای نمونه، که همگی با اهداف دوره آشنایی عمیق داشته و در این زمینه صاحب‌نظرند، مصاحبه انجام و از آنها خواسته شد، در مورد محتوای دوره، دیدگاه‌های خود را بیان نمایند. نتایج در جدول شماره ۱ مقوله‌بندی و ارائه شده است:

جدول شماره ۱- وضعیت محتوا در برنامه درسی دوره دافوس از دید اساتید و مسئولان

درصد	کدها و مولفه‌های مقوله محتوا
۲۸٪	۱. منابع تولید محتوا: مشاهدات میدانی، یافته‌های واحدهای پژوهشی، اطلاعات رصد تحولات فناوری کشورهای دوست و دشمن، اعلام نیاز نیروها، تلاش اساتید، الزامات و سرفصل‌های مصوب وزارت علوم، اسناد بالادستی ارتش + تجارب و گزارشات دانش آموختگان دافوس‌های خارج از کشور+ رهنمود مقامات لشکری و کشوری در سخنرانی‌ها، خروجی مطالعات گروهی دانشجویان و یافته‌های پژوهشی رساله‌هایشان.
۲۱٪	۲. نوع محتوا: دروس نظری، عملی، نظامی و غیر نظامی. البته تمرکز بر دروس نظامی است. محتوای دوره بیشتر در حوزه رکن دوم و رکن سوم متمرکز است. <sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> - Cronbach's Alpha

<sup>۲</sup> - Gilham, B.

<sup>۳</sup> در ارتش‌ها، وظایف ستادی به چهار رکن ۱ تا ۴ قسمت شده که هر کدام مسئول وظایف خاصی است. رکن ۱ امور پرسنلی، رکن ۲ امور گردآوری اطلاعات، رکن ۳ امور عملیاتی و رکن ۴ امور تدارکات (تامین آب، غذا، مهمات، جابجایی و تعمیرات).

۱۴٪	۳۴- کیفیت محتوا: محتوای دافوس در مقایسه با کشورهای منطقه و جهان کیفیت چشمگیر داشته، مطلوب بوده و پاسخگوی نیازهای ارتش است.
۵۲٪	۴. به روز بودن محتوا
۲۸٪	• محتوا به روز بوده و مداوماً به روز رسانی شده و کاملاً پاسخگوست. اغلب اساتید معتقدند: «به ضرورت به روز ماندن محتوا واقف و آگاه بوده و حتی شاید از سایر همسایگان و حتی چین نیز جلوتر هستیم».
۱۷٪	• سعی بر به روز بودن است و نسبتاً به روزیم گرچه ادعای به روز بودن کامل غیر منطقی و اغراق است.
	• محتوای دوره اصلاً به روز نیست و نیازمند به روزرسانی است (ملال آور، کهنه و بی طراوت هستند).
۳۴٪	۵. تمهیدات به روز نگهداشتن محتوا
۳۴٪	۱- تلاش گروه‌های آموزشی در جلسات هم‌اندیشی، تحقیقات اساتید و فعالیت‌های پژوهشی دانشجویان (پروژه‌ها، رساله‌ مطالعات گروهی، ارائه‌ها، تحقیقات موردی).
۲۸٪	۲- اعزام تعدادی از افسران به دوره‌های دافوس کشورهای خارجی دوست و هم پیمان و مطالعه آثار تولید شده توسط آنها پس از دانش آموختگی و بازگشت به کشور (تالیف، ترجمه، تحقیق) و بومی‌سازی موارد الگو برداری شده از آنها.
۱۴٪	۳- بازنگری در دوره‌های هر ۳ تا ۵ سال و بازنگری‌های یک‌ساله در دافوس.
۱۰٪	۴- توجه به نظرسنجی از دانشجویان و اساتید در دافوس و بهره برداری از آن نتایج.
۱۰٪	۵- اقدام و رصد واحد مدیریت آئین‌نامه‌ها و متون آموزشی و تلاش معاونت آموزشی.
۷٪	۶- استفاده از آئین‌نامه‌های به روز کشورهای شرق، غرب و آمریکا (و بومی سازی).
۳٪	۷- استفاده از دانش و تجارب فرماندهان و شاهدان میدانی جنگ‌های منطقه‌ای
۳٪	۸- بکارگیری دستاوردهای نظری و عملی حاصل از تجارب جنگ و رزمایش‌ها.
۳٪	۹- بکارگیری دستاوردهای بازپندهای متقابل دافوس‌های خارجی و آجا.
۳٪	۱۰- توجه به تغییر در ماموریت، ساختار، دکترین و تاکتیک‌های ارتش و انطباق دافوس با آن.
۳٪	۱۱- استفاده از اطلاعات دانشجویان خارجی مشغول به تحصیل در دافوس آجا.
۳٪	۱۲- پیروی از الزامات به روز شده وزارت عتف که سالانه به دانشگاه ابلاغ می‌گردند.
۳٪	۱۳- تعامل دافوس با تمامی نیروهای چهارگانه آجا و اخذ نظرات، دیدگاه و نیازهای آن‌ها.
۳٪	۱۴- استفاده از خروجی سخنرانی‌ها و کارگاه‌هایی که مقامات کشوری و لشکری ارائه می‌دهند.
۳٪	۱۵- رصد تحولات نظامی جهان با پژوهشگاه جنگ، مرکز دیده‌بانی و آینده پژوهی دافوس.
۲۴٪	۶. وجود تعادل‌های محتوایی
۱۷٪	۱- بین دروس نظری عملی، تعادل منطقی برقرار است نه کامل (با اولویت عملی‌ها و ارتقا مهارت‌ها)
۱۷٪	۲- بین توجه به عمق و وسعت، بیشتر بر وسعت، ترکیب و توان کار مشترک توجه و تمرکز دارند.
۱۷٪	۳- بین محتوای دروس تخصصی و مشترک، تعداد واحدها، زمان و روزها تعادل نسبی برقرار است.
۱۴٪	۴- بین حجم مطالب و زمان تخصیصی بدان در گروه‌های تخصصی تعادل نسبی وجود دارند.
۱۴٪	۵- بین منطق و خلاقیت تعادل معقول هست و به هر دو نسبتاً توجه می‌شود. بیشتر پرورش منطق مد نظر بوده و خلاقیت را امری فردی می‌دانند.
۵۲٪	۷. محتوای زائد
۵۲٪	۱. در دروس تخصصی، مورد زائد نیست یا خیلی نادر و بعید بوده و به محض کشف، حذف می‌کنند.
۱۷٪	۲. دروس عقیدتی سیاسی و حفاظت زائد، مدرسانش ضعیف و مطالب تکراری بوده و خروجی ندارد.
۱۷٪	۳. درس زبان انگلیسی خروجی ندارد و زائد است.
۶٪	۴. درس عملیات روانی زائد است و درس آمار در یگان به درد افسران نخواهد خورد.
۳٪	

۵. بعضی از دروس را می‌توان از برنامه‌ی حضوری حذف نموده و آنها را به صورت غیر حضوری ارائه کرد (مانند : عقیدتی سیاسی، رفتار سازمانی، عملیات روانی، و برآورد نیروی انسانی).
--

اعداد ستون دوم جدول که به شکل درصد آمده، از فراوانی پاسخ‌ها استخراج شده و بیانگر درصد اظهار نظر کنندگان در مورد آن گویه و یا پرسش مطرح شده در مصاحبه‌ها است. در ادامه، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها (مندرج در جدول شماره ۱) تشریح می‌شوند:

مبناهای تولید محتوا مانند مشاهدات در میادین جنگ، اعلام نیاز نیروها و تلاش اساتید دافوس، اولین مواردی هستند که مبنای تولید محتوا قرار می‌گیرند. دومین مبنای، در دروس مشترک (ارائه شده برای تمام افسران صرف‌نظر از نوع نیرو) رعایت الزامات وزارت علوم است که برای یک دانش‌آموخته‌ی ارشد مدیریت امور دفاعی مصوب نموده‌اند. سومین منبع تولید محتوا، افسرانی هستند که جهت دوره، به یکی از کشورهای خارجی اعزام و در بازگشت از دوره، با نوشتن گزارش و تولید اثر، اطلاعات نظامی آموخته یا مشاهده شده در آنجا را به داخل انتقال می‌دهند. انتظار می‌رود که آن‌ها قادر باشند دانش نوین آن کشورها را نیز با واسطه اخذ و به داخل انتقال دهند.

بعد از بازگشت، آنها باید سه سال در دافوس مانده و با فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی، دانش آموخته شده و تجارب مکتسبه در خارج را، بومی سازی نموده، و به فراگیران انتقال دهند. مصاحبه شونده‌گان به این سیاست، نقدهایی وارد و معتقدند که تاکنون از این گزارشات پایان دوره و سایر آثار آن‌ها، اطلاعاتی، که دانش موجود در دافوس را غنی‌تر سازد، بدست نیامده است. نقد بعدی این است که، این افسران، ممکن است که فراگیران و فرماندهانی بسیار خوب باشند ولی الزاماً همه‌ی آن‌ها معلمانی خوب نخواهند بود.

معلمی، مستلزم داشتن یک مجموعه ویژگی‌های ذاتی چون شکیبایی، قدرت انتقال مطلب، کنجکاو علمی، عشق ورزیدن به آموزش و موارد مشابه دیگر در فرد است. اغلب پاسخگویان معتقدند: ضرورت ندارد که همه‌ی دانش آموختگان مذکور، سه سال در دافوس مانده و تبدیل به مدرس شوند و بهتر است به یگان‌های خود بازگردند.

مصاحبه شونده‌گان، مبنای دیگر تولید محتوا را، سخنرانی‌ها و کارگاه‌های آموزشی و پژوهشی روزهای دوشنبه عنوان کردند. گاه یک سخنران، با بیان موردی خاص، باعث شده، ضرورتی جدید کشف گردیده و دافوس متناسب با وظیفه‌ی خود، برای پاسخ بدان، اقدام به تولید محتوای آموزشی می‌نماید.

منبع دیگر تولید محتوا، خروجی فعالیت جمعی دانشجویان در درس مطالعات گروهی است که طی آن، هر تیم موظف می‌شود یک رساله گروهی ارائه نماید. جهت کمک به دانشجویان در انجام بهتر این تکلیف، برای آنها کلاس‌هایی با حضور همزمان چند استاد در کلاس برگزار می‌شود. دانش‌آموختگان دوره‌های قبل، این کلاس‌های چند استاده، را به عنوان یک نقطه قوت بسیار چشم‌گیر در دوره دافوس برشمرده‌اند.

نوع محتوا در جدول شماره ۱، اشاره به محتوای ترکیبی دروس و مفاهیم نظری، با تمرینات عملی جهت تسلط یافتن در بکارگیری دانش آموخته شده دارد. محتوای دوره مجموعه‌ای متنوع و غنی از مفاهیم و دروس نظری غیر نظامی است که جهت ارتقاء ادراک، تغییر نگرش، بهبود توان مدیریت منابع انسانی و ارتباطات بین فردی، قدرت انجام پژوهش، تقویت مهارت تصمیم‌گیری و زبان کاربردی در عملیات مشترک، در برنامه گنجانده شده است. محتوای دوره، وظایف فرماندهی (تصمیم‌گیران) و افسران ستادی (تصمیم‌سازان) را پوشش داده ولی، چون ماهیت جنگ عمدتاً بر درگیری با دشمن و اقدامات اطلاعاتی عملیاتی استوار بوده و نقش واحدهای پشتیبانی، فرعی محسوب می‌شود، تمرکز محتوای دوره، بیشتر بر مفاهیم رکن سه و دو قرار گرفته است. البته این به معنای کم اهمیت شمردن رکن‌های ۱ و ۴ نبوده و دانشکده‌ای مستقل بدان‌ها می‌پردازد.

کیفیت محتوا: اساتید و فرماندهان فعلی که خود دانش آموخته دوره‌های قبل هستند، معتقدند که کیفیت محتوای دوره، بالاتر از متوسط و عالی است. مغایر با نظر این گروه، مصاحبه شوندگانی که با آنها در محل یگان‌ها مصاحبه شد چنین نظری نداشته و بالعکس نقدهایی وارد نموده و معتقدند: حداقل ۵۰٪ از محتوای این دوره، همان محتوای اندکی عمیق‌تر و مفصل‌تر دوره قبلی (دوره عالی) بوده و لذا تا حدود زیادی تکراری و ملال‌آورند. به روز بودن محتوا: اکثریت مصاحبه شوندگان (۵۲٪) اظهار نمودند که، محتوا به روز بوده، برای نیازهای فراگیران پاسخگو و از سایر همسایگان، وضعیت بهتری دارند. دسته دوم یعنی ۲۸٪ آنها، معتقدند که فقط به طور نسبی و بینابینی محتوا به روز بوده و در بعضی دروس به روز نیستند. دسته سوم (۱۷٪) معتقدند: محتواها اصلاً به روز نبوده، نیازمند به روزرسانی و خروج از کهنگی هستند.

دسته اول و دوم اغلب دانشگاهیان بوده و دسته سوم، مصاحبه شوندگان در یگان‌ها بودند.

با توجه به فراوانی پاسخگویان در دو دسته اول و دوم که نظر مساعد از نظر به روز بودن محتوا ابراز نمودند، در نگاه اول شاید بتوان این نتیجه‌گیری را کرد که: محتوا در حد مطلوب و بسنده‌ای به روز است ولی با توجه به عدم برابری تعداد پاسخگویان یگانی به دانشگاهی (۷ از ۲۹) و همچنین نداشتن مبنایی دیگر برای مقایسه (به علت محرمانه بودن محتوا و عدم دسترسی محقق)، نمی‌توان با قطعیت گفت که محتوای دوره از جنبه به روز بودن، در وضعیت ایده‌ال است.

تمهیدات به روزماندن محتوا: با توجه به فراوانی‌ها در جدول شماره ۱، تلاش اساتید گروه‌های آموزشی، اقدامات افسران دانش آموخته خارج از کشور و الزام به روزرسانی در دوره‌های پنج‌ساله و یکساله، مهم‌ترین تمهیدات بکار رفته است. نظرسنجی‌های مستمر، رصد معاونت‌های پژوهشی و آموزشی، استفاده از محتوای خارجی (آئین نامه‌های ناتو و بلوک شرق) و اطلاعات شاهدان میدانی، از دیگر عوامل به روز کردن محتوا در دافوس هستند. با توجه به کثرت و تنوع روش‌های بکار گرفته شده برای به روز ماندن و عقب نیفتادن از دانش نظامی روز و اقدامات همسایگان و دشمنان دور و نزدیک، وضعیت دافوس خوب و مطلوب ارزیابی شده است. ضرورت به روز ماندن در گات ۱ جنگال، حساس‌تر بوده و اساتید این گروه آموزشی، ناگزیرند که تلاش شدیدتری داشته باشند زیرا آنها در حیطه‌ای از دانش (هوش مصنوعی، ارتباطات رایانه ای مجازی) فعال هستند که سرعت به روز شدن و تغییرات در آن، به مراتب بیشتر از سایر حوزه‌های تخصصی نظامی است.

وجود تعادل‌ها: میزان تعادل محتوا، از جنبه‌های متعدد دوگانه: (۱) وجوه نظری و عملی (۲) عمق و وسعت (۳) دروس تخصصی و عمومی (۴) بین هر مبحث و میزان واحد و زمان (حجم) تخصیصی به آن و نهایتاً (۵) بین منطق و خلاقیت، از دید مصاحبه‌شوندگان بررسی شده است. اکثریت آنها به وجود تعادل نسبی و معقول بین دروس نظری و عملی اشاره نموده و معتقدند که اولویت با مهارت آموزی است.

۱- گات مخفف گروه آموزشی تخصصی و گام مخفف گروه آموزشی مشترک است.

در تعادل بین عمق و وسعت، با توجه به هدف دافوس که ترکیب دانشجویان تمام نیروها و ایجاد درک مشترک و کلان نگری ترکیبی است، فراوانی‌ها نشان داد: دافوس، به درستی و حسب ضرورت، اولویت را به وسعت، ترکیب و توان کار مشترک قرار داده است. در مورد تعادل میان دروس تخصص و عمومی، پاسخگویان معتقدند که تعادل نسبتاً کاملی از نظر تعداد واحدها و سایر موارد وجود دارد و تقسیم زمان و تعداد واحد در بین دروس گات‌های پنج‌گانه تخصصی نیز متعادل هستند.

این مساله نیازمند تدقیق بیشتر است زیرا ممکن است رعایت این نوع از تعادل، الزاماً لازم و مفید نباشد. عده‌ای از پاسخگویان اظهار کردند: «تخصیص زمان . حجم (تعداد واحد) به هر مبحث را شاید با بررسی موشکافانه‌تر بتوان مقدار قابل توجهی بهبود بخشیده و نواقصی در این زمینه احساس می‌شود».

در تعادل بین خلاقیت و منطق، دافوس بیشتر بر جنبه منطق و تقویت قابلیت تصمیم‌سازی فراگیران توجه نموده و خلاقیت که بیشتر در جنبه فرماندهی مورد نیاز است، به طور ضمنی بالاخص در دروس عملی و رزمایش‌ها تقویت گردیده و مغفول نیست.

محتوای زائد و ضعیف: در باره دروس تخصصی گات‌های پنج‌گانه، ۵۲٪ افراد مصاحبه شونده معتقدند که هیچگونه محتوای زایدی نداشته، چنین چیزی، بسیار نادر بوده و به محض کشف، حذف می‌شود. آنها اظهار نمودند که، حتی مباحث و محتوای نظامی مفید ولی تک نیرویی نیز، از برنامه درسی حذف می‌شوند زیرا، هدف دافوس آموزش دانش و مهارت‌هایی است که در راستای هم افزائی و انجام عملیات مشترک باشند. اغلب پاسخ‌گویان، دروس عقیدتی سیاسی و حفاظت را در این مقطع، غیر ضروری شمرده و معتقدند، بعد از ۲۰ سال تجربه خدمت در ارتش، به دافوس آمده و قبلاً این اطلاعات را بارها آموخته و دیگر به آنها نیازی نداشته، آموزش آنها اتلاف منابع است.

البته به دلایلی، حذف آنها، خارج از اختیارات دافوس است و فقط، شاید بتوان تغییراتی در کیفیت محتوا و مدرسانشان ایجاد کرد تا منجر به نارضایتی فراگیران نشود. در این زمینه، در دانشگاه‌های غیر نظامی نیز، مطالعاتی انجام شده (از جمله پژوهش برگزیده پانزدهمین جشنواره فرهنگی وزارت ارشاد - جواهری، ۱۳۹۷- به سفارش دفتر مطالعات فرهنگی وزارت علوم) که، به نتایجی مشابه با نتایج این بخش از پژوهش در مورد اثربخشی محتوای عقیدتی فرهنگی دست یافته‌اند.

محققان مذکور، بالاتفاق معتقدند که نتایج بدست آمده از آموزش‌های فرهنگی، سیاسی و عقیدتی، مغایر با اهداف آموزشی مد نظر برنامه‌ریزان آن‌ها بوده است. در باره درس زبان انگلیسی، عده‌ای معتقدند که در سن این فراگیران، یادگیری زبان خارجی دشوار و بدون خروجی مثبت بعد از دانش‌آموختگی است و باید هنگام ورود افسران به ارتش، با تمهیداتی چون مشوق‌ها(مثلاً یک کد حقوقی)، هدف زبان آموزی تامین شود. دسته دوم (اقلیت) معتقدند که وجود زبان خارجی در این دوره بسیار ضروری است زیرا این درس، زبان تاکتیک و عملیات مشترک است که مورد نیاز می‌باشد. پاسخگویانی پیشنهاد کردند، دروسی را از برنامه‌ی حضوری حذف و آنها را مجازی آموزش دهند، تا زمان بیشتری برای گنجاندن دروس مهم‌تر که نیازمند آموزش حضوری هستند فراهم شود.

### یافته‌های بخش کمی

**سؤال دوم:** از دید دانش‌آموختگان، محتوای دوره دافوس چگونه است؟ جهت یافتن پاسخ سؤال فوق، پیمایشی انجام شد و سوالات زیر از دانش‌آموختگان دوره ۳۳ دافوس در باره عنصر محتوا پرسیده شد. نتایج حاصله و میانگین‌های به دست آمده در جدول شماره ۲ قابل مشاهده است.

جدول شماره ۲- سوالات محتوا و میانگین پاسخ‌های دانشجویان به هر سوال

ش	سؤال	میانگین
۱	تناسب محتوای دوره با نیازهای شغلی فراگیران	۳/۴۹
۲	میزان جذابیت و برانگیزانندگی محتوای دروس دوره دافوس	۳/۴۰
۳	میزان به روز بودن محتواهای دوره دافوس از دید جنابعالی	۳/۱۱
۴	میزان تعادل و تناسب در واحدهای تخصصی به هر درس	۳/۳۱
۵	میزان معقول و منطقی بودن تلفیق آموزش‌های نظری و عملی	۳/۶۷
۶	هماهنگی محتوای دوره با نیازهای اجتماعی فراگیران	۳/۲۶
۷	میزان توجه به جنگ‌های معاصر در محتوای دوره	۳/۱۵
۸	میزان تعادل توجه به مسائل هر چهار رکن در محتوای دوره	۳/۶۰
۹	میزان آموزش مسئولیت و اختیار فرمانده در بحران‌های اجتماعی	۲/۹۵
۱۰	مفید بودن دوره صرفنظر از ارشدیت، حقوق و موقعیت شغلی	۳/۸۷
۱۱	موثر بودن دوره بر تقویت قدرت ایده‌پردازی فراگیران	۳/۵۷
۱۲	تاثیر دوره بر افزایش انگیزه مطالعه گروهی و مستمر	۳/۸۳
	میانگین کل	۳/۴۳

با توجه به انتظارات از دانشگاه فرماندهی و ستاد، اسناد و سوابق و همچنین نظر مسئولان مربوطه در مورد لزوم کیفیت بالای دوره جهت توانایی مقابله با شرایط متحول امروزی، برای مطلوب شمردن پاسخ‌های هر گویه، میانگین ۳/۵ تا ۴ به عنوان استاندارد مطلوبیت در نظر گرفته شد. بدین ترتیب، چنانچه میانگین‌های مندرج در جدول شماره ۲، حداقل ۳/۵ و بالاتر بود، کیفیت محتوای دوره از آن جنبه مطلوب و اگر پایین‌تر از آن بود، نامطلوب ارزیابی شده است.

اطلاعات جدول شماره ۲ حاکی است که میانگین پرسش‌های ۵، ۸، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ بالاتر از ۳/۵ و در محدوده مطلوب است لذا یافته‌ها نشان داد که از دید دانش آموختگان دوره ۳۳، محتوای دوره دافوس از نظر ابعاد مذکور (تلفیق دروس نظری و عملی، توجه به مسائل هر چهار رکن، مفید بودن عمومی و تقویت ایده پردازی و مطالعه) مطلوب است. با توجه به میانگین پرسش‌های ۱ و ۲، یافته‌ها نشان داد که از دید آنها، محتوای دوره از نظر تناسب با نیازهای شغلی و جذابیت نیز، اگر چه نامطلوب ارزیابی شده ولی، بسیار نزدیک به محدوده استاندارد مطلوب شمرده شدن است.

نهایتاً با توجه به داده‌های پنج پرسش ۳، ۴، ۶، ۷ و ۹، دانش آموختگان دوره ۳۳ دافوس آجا، محتوای دوره را از پنج بُعد (به روز بودن، میزان واحد تخصصی به هر درس، هماهنگی محتوا با نیازهای فردی و اجتماعی و توجه به جنگ‌های معاصر) نامطلوب ارزیابی کردند.

میانگین کل مقوله محتوا ۳/۴۳ بدست آمد که با توجه استاندارد محدوده مطلوب، داده‌ها نشان داد که از دید دانشجویان، وضعیت محتوای دوره مطلوب نیست ولی به آستانه مطلوب شمرده شدن (۳/۵) بسیار نزدیک است. یک استثنا مهم، میانگین پرسش ۹ است که «رضایت از آموزش‌های مورد نیاز فرمانده در مواقع بحران‌های اجتماعی» را سنجیده و اکثریت پاسخگویان محتوای این آموزش‌ها را کافی و مناسب ندانسته‌اند (کمترین میانگین در تمام سئوالات ۲/۹۵).

در گام بعدی به بررسی این مساله پرداخته شد که آیا نظرات دانشجویان در باره محتوای دوره دافوس، از دید افسران نیروهای چندگانه، تفاوت معناداری با یکدیگر دارند یا خیر؟ و اگر چنین تفاوتی وجود دارد، در بین نظرات کدام یک از آن گروه‌ها است؟ و چرا؟.

یافته‌های مستند به خروجی‌ها و سطح معناداری بدست آمده از جدول آزمون آنوا، نشان داد که نظرات افسران نیروهای مختلف در باره محتوا، با یکدیگر تفاوت معناداری دارند. در

ادامه برای تشخیص گروه‌های دارای اختلاف نظر، آزمون‌های تعقیبی (LSD)<sup>۱</sup> اجرا و خروجی گرفته شد (جدول شماره ۳).

با توجه به سطوح معناداری جدول آزمون مذکور، مشخص گردید، نظرات پاسخگویان نیروهای مختلف در باره محتوای دوره، در تمام گروه‌های نیروئی بجز دو نیرو، تفاوت معناداری ندارند. تمام پاسخگویان گروه‌های نیروئی، دو به دو با همدیگر مقایسه شده‌اند و گروه‌های دارای اختلاف نظر در باره کیفیت محتوا، عبارت بودند از:

۱. دانشجویان نیروی زمینی با نیروی هوایی ۲. دانشجویان نیروی هوایی با گروه سایر نیروها

جدول شماره ۳: نتیجه آزمون LSD گروه‌های نیروئی

Multiple Comparisons						
Dependent Variable: محتوا						
LSD						
نیروی (I)	نیروی (J)	Mean Difference (I-J)	Std. Error	Sig.	95% Confidence Interval	
					Lower Bound	Upper Bound
زمینی	هوایی	.63034*	.21327	.004	.2088	1.0519
	دریایی	.19516	.21799	.372	-.2357	.6260
	یادآند	.28230	.22313	.208	-.1587	.7233
	سایر	-.21280	.22313	.342	-.6538	.2282
هوایی	زمینی	-.63034*	.21327	.004	-1.0519	-.2088
	دریایی	-.43519	.27420	.115	-.9772	.1068
	یادآند	-.34804	.27831	.213	-.8981	.2021
	سایر	-.84314*	.27831	.003	-1.3932	-.2930
دریایی	زمینی	-.19516	.21799	.372	-.6260	.2357
	هوایی	.43519	.27420	.115	-.1068	.9772
	یادآند	.08715	.28194	.758	-.4701	.6444
	سایر	-.40795	.28194	.150	-.9652	.1493
یادآند	زمینی	-.28230	.22313	.208	-.7233	.1587
	هوایی	.34804	.27831	.213	-.2021	.8981
	دریایی	-.08715	.28194	.758	-.6444	.4701
	سایر	-.49510	.28594	.086	-1.0603	.0701
سایر	زمینی	.21280	.22313	.342	-.2282	.6538
	هوایی	.84314*	.27831	.003	.2930	1.3932
	دریایی	.40795	.28194	.150	-.1493	.9652
	یادآند	.49510	.28594	.086	-.0701	1.0603

\*. The mean difference is significant at the 0.05 level.

سوال سوم:

چه محتوایی برای آمادگی فرماندهان جهت مواجهه با آینده مناسب است؟

<sup>1</sup> - Fishers Least Significant Difference (اختلاف) معنادار (ابداع فیشر)

برای پاسخ به این سؤال داده‌های کمی و کیفی حاکی از این است که اغلب اساتید و دانشجویان، احساس نیاز و علاقمندی به انواع محتوا را بیان نموده ولی چون به درستی قدرت پیش‌بینی آینده را نداشتند، نمی‌دانستند چه محتوایی مورد نیاز آینده خواهد بود. در بیان محتوای مغفول، پاسخگویان نیاز و علاقه به محتواهایی در زمینه اقتصاد، جامعه و مردم‌شناسی، بحران‌های اجتماعی، سیاست، آموختن استفاده از هوش مصنوعی، سیستم‌های اطلاعاتی مدیریت و موارد متعدد دیگر را اظهار نمودند. یعنی علمی که غیر مستقیم نیازهای شغلی‌شان را تحت الشعاع قرار داده و مستقیماً ذهن‌هایشان را درگیر نموده است. با توجه به اینکه حوزه‌های مذکور بر زندگی (معیشت، افکار، انگیزه‌ها) سربازان و نظامیان ارتش و مأموریت‌ها تاثیر چشمگیر دارند، تقاضاهای مذکور طبیعی می‌نماید. عده دیگر، علیرغم ادعان به اهمیت تمام علوم، با اشاره به محدودیت زمان معتقدند که:

باید تمرکز بر دروس نظامی باقی مانده و افسران، با بالا بردن سرانه مطالعه خود در زمینه‌های مذکور، نیازهای آموزشی و علایق خود را پیگیری و تکمیل نمایند. از طرفی، صرف مفید بودن هر دانش، نباید ملاک انتخاب و گنجاندن آن در برنامه درسی دافوس باشد، زیرا ممکن است آن دانش در عمل (یگان و میادین نبرد)، هرگز به درد یک فرمانده نخورد.

در مورد فن بیان، عده‌ای آنرا برای فرماندهان ضروری شمرده و عده‌ای معتقدند این توانایی باید از دانشکده افسری یا در طول زمان خدمت تکمیل شده باشد نه در دوره دافوس.

### بحث و نتیجه گیری

هدف تحقیق این بود که بررسی شود محتوای فعلی دوره دافوس چه وضعیتی دارد و برای آینده، فرماندهان نیاز به چه نوع محتوایی دارند.

**دستاوردها:** از نظر وجه اول، اغلب اساتید مصاحبه شونده، کیفیت و به روز بودن محتوای دوره را عالی دانسته که با توجه به رضایت ضعیف‌تر دانشجویان و مصاحبه شوندگان در محل یگان‌ها، نظرات دو بخش کمی و کیفی، تفاوت آشکاری نشان می‌دهند.

در باره محتوای تولید افسران از خارج آمده و اثربخشی بکارگیری سه ساله آن‌ها در دافوس، نقدهایی شد که نیازمند بازنگری و شناسایی علل و راه کارهای بهبود آن است.

همچنین، این گروه از افسران، به دلایلی چون امکان ترفیع و دلایل دیگر، عموماً تمایل به بازگشت به یگان‌های عملیاتی خود را دارند لذا اهداف آن قانون عملاً محقق نمی‌شود. در تمهیدات به روز نگهداشتن محتوای دوره، جای مطالعات و ترجمه‌های متمرکز و هدفمند از منابع دانشگاه‌های نظامی خارجی، خالی بوده و این وظیفه، بر عهده اساتید (تلاش فردی، جمعی و جلسات هم‌اندیشی) و فعالیت‌های دانشجویان (پروژه گروهی) نهاده شده که با توجه به مشغله‌های شغلی، تدریس و تحصیل همزمان این دو گروه، طبیعتاً با تنگنا و محدودیت‌هایی از نظر وقت، کیفیت و سرعت مواجه خواهند بود. با توجه به فشردگی دوره، که بیش از یک دوره ارشد غیر نظامی نیز واحد درسی دارد، به نظر می‌رسد که تجدید نظر در محتوای بعضی از دروس، اجتناب ناپذیر و ضروری باشد. در این زمینه با توجه به تجربیات دوران کرونا و قابلیت آموزشی شبکه‌های اجتماعی و بستر اطلاعاتی موجود در ارتش، باید انتقال بخشی از محتوا، از طریق غیر حضوری، (توسط برخی از پاسخگوها پیشنهاد شد) در کانون توجه برنامه ریزان درسی دوره قرار گیرد. ارتش‌ها همواره برای مقابله و مدیریت بحران‌هایی آموزش دیده و آماده می‌شوند که یا منشا خارجی دارند (جنگ) و یا منشا طبیعی (سیل و زلزله) لذا، در برابر نوع سوم یعنی بحران‌های اجتماعی، معمولاً منفعل و سردرگم می‌مانند (عطف به تجارب ارتش افغانستان پس از خروج آمریکا، ارتش ایران در ۱۳۵۷ و بحران‌های اجتماعی یک دهه اخیر). با توجه به پرسش نهم که با کمترین میانگین (۲/۹۵)، پاسخگویان، ضرورت طراحی محتوایی آموزشی در این زمینه را بیان نموده و انتظار دارند دافوس در مورد وظایف، اختیارات و مسئولیت‌های فرماندهان در مواقع مذکور آموزش‌هایی را ارائه دهد. مصاحبه شوندگان یگانی نیز به این ضرورت اشاره نمودند. میزان توجه محتوای دوره به نیازهای فردی و اجتماعی فراگیران و همچنین جنگ‌های معاصر در منطقه و جهان نیز در بخش کمی، نامطلوب ارزیابی شده که نیازمند امعان نظر و بازنگری است. در مورد تفاوت دیدگاه افسران هوایی و زمینی نسبت به محتوا، با توجه به بیانات مصاحبه‌شونده‌ها این دلایل محتمل است که نیازمند پژوهشی عمیق‌تر است:

- به علت تفاوت وظایف، ماموریت‌ها و تجهیزات، نیاز به محتوای آموزشی متفاوتی دارند.

- محتوای مورد پسند عمده قوای زمینی با نیروی پشتیبانی طبیعتاً متفاوت است.

• نیروی هوایی تجهیزات محورتر است لذا محتوای فنی را بر محتوای عمومی ارجح می‌دانند.

در مورد تفاوت دیدگاه افسران هوایی با افسران گروه سایر نیروها (خارج از چهار نیروی اصلی قوای مسلح کشور) نسبت به محتوا نیز این دلایل احتمالی متصور است:

• باتوجه به وظایف، سایر نیروها، نیازمند محتوایی متفاوت از محتوای آموزشی افسران ارتش هستند.

• اهداف آموزشی ارتش با اهداف نیروهای مذکور متفاوت بوده لذا محتوای متفاوتی را می‌پسندند.

با توجه به تحولات فناوری‌های نوظهور، که هر لحظه امکان ابداع و اختراعی بی‌سابقه وجود دارد و وقتی می‌دانیم دیگر آینده هرگز ادامه روند گذشته و حال نخواهد بود، پس باید دانش و مهارت‌هایی را به فراگیران آموخت، که خود بتوانند بسته به نیاز و شرایط، محتوای مورد نیاز خود را یافته، یا خود آنرا ساخته و قدرت رویش و خلاقه داشته باشند.

از تجارب تاریخی ارتش‌ها، بالاخص در جهان سوم می‌توان آموخت که به علت ذات قدرت موجود در قوای مسلح، همواره ممکن است بعد از جنگ‌ها و بحران‌های بزرگ، ارتشیان، با میل خود یا از ناچاری، مجبور شوند که مدتی در دوران گذار، اداره امور کشور را در دست گرفته و مانع فروپاشی کامل ساختارها شوند. در چنان مواقعی، چون در زمینه سیاست، اقتصاد، روانشناسی اجتماعی، مدیریت دولتی، بودجه و امثالهم کم اطلاع هستند، قدرت اداره موثر امور را نخواهند داشت. در نتیجه این ضعف، آسیب‌هایی جدی و جبران ناپذیری متوجه کشور و منافع ملی می‌شود. به همین دلیل باید محتوایی در این زمینه‌ها با مشورت و خرد جمعی (امرای ارتش و اندیشمندان نظامی و غیر نظامی در حوزه‌های مذکور) تهیه و در برنامه اصلی یا جانبی (برنامه مکمل) دوره دافوس گنجانده شود.

راجرز<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) معتقد است که مانند مشاوران روانشناسی، نقش مدرسان امروزی، از یک انتقال دهنده اطلاعات متکی به یک محتوای مصوب متصلب، باید به نقش یک مشاور تسهیل گر و مامای زاینده تغییر کند.

فراگیران امروز، خود حاملان معانی و راه حل ها بوده و فقط باید باور کنند که «درون بود» آن ها قدرتمندتر از محتوا و برنامه های آموزشی با اهداف «استعلایی» است که سایر متخصصان معمر برای آن ها تدوین کرده اند. (عطف به کتاب «رویکرد دلوزی به برنامه درسی» از جیسون والین در تبیین نظرات ژیل دلوزو شوپنهاور)<sup>۲</sup>.

یکی از ویژگی های جوامع در حال گذار از سنت به مدرنیته، این است که پارادایم های سابق پاسخگوی نیازهای نو نبوده یا مصادیق تناقض آن ها زیاد و کاملاً آشکار می گردد. هر دوران گذار (شیفت پارادایم) همانند دوران بلوغ، سرشار از چالش های فکری است و سازمان های آموزشی، باید بکوشند تا، محتوایی برای راهنمایی و کمک به فراگیرانشان در درک و هضم این دوران تدارک دیده و با گفتگوی آزاد، در کلاس های روئیدنی، مسائل ذهنی نهفته، دانش و تجارب پنهان آنها را به تجلی وادارند. در این حالت، چه بسا که خود فراگیران راه حلی هایی بدیع و خلاقه به ذهنشان برسد که به خود و سایرین کمک های بزرگی بنمایند و یا افق گشایی شگفت انگیزی رخ دهد (عطف به نظرات کوهن<sup>۴</sup> در باره پارادایم های علمی که قابل تعمیم به پارادایم های اجتماعی است).

### مقایسه نتایج این پژوهش یا نتایج سایر تحقیقات مشابه:

عباسیان (۱۴۰۲)، ظریف منش (۱۴۰۱)، بوستانی (۱۴۰۰) و بهارلو (۱۴۰۰) همانند نتایج ما در این مطالعه معتقدند: محتوای آموزش های نظامی، باید بازنگری و به روز رسانی شوند تا با نیازهای جنگ های آینده سازگار شوند.

عباسیان و همکاران (۱۳۹۲) نیز به تفاوت دیدگاه اساتید اساتید و دانشجویان دانشکده افسری امام علی (ع) در باره کیفیت محتوا اشاره و لزوم بازنگری در آنرا مطرح کردند.

<sup>۱</sup> - Rogers, C.

<sup>۲</sup> - Jason, J, W. & Deleuze, G. & Schopenhauer, A. (A Deleuzian Approach to Curriculum, 2010).

<sup>۳</sup> - Paradigm

<sup>۴</sup> - Cuhn, T, S.

فرنگ و قاسم‌زاده (۱۳۹۶)، داسکالا (۲۰۲۴) اسمیت (۲۰۲۴)، سالو (۲۰۲۳) و مارتینز (۲۰۲۱) مانند نتایج این پژوهش معتقدند که: باید محتواهای مغفول مانند مسائل اجتماعی سیاسی اقتصادی، نحوه مدیریت سربازان آینده (که از نسل Z هستند) و مهارت‌های نوشتن و گفتگو با پرسنل و جامعه در محتوای دوره‌های نظامی گنجانده شوند تا فرماندهان به مهارت کار در محیط آینده مجهز گردند.

بودین و فوجی‌وارا (۲۰۲۴) و کلی و اسمیت (۲۰۲۴) بر ضرورت گنجاندن مباحث هوش مصنوعی و جنگ‌های اطلاعاتی و سایبر، در محتوای آموزشی افسران اشاره و بازنگری در این مسیر را برای آمادگی آنها در مواجهه با آینده، حیاتی شمرده‌اند.

تنها نکته افتراق نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های پیشین این است که: محققان قبلی اگر چه همانند نتایج این مطالعه هر کدام بر نوع و زمینه‌ای خاص از دانش که احتمال داده‌اند در آینده مورد نیاز است تاکید ورزیده‌اند، اما از این نکته غفلت شده که آینده و جنگ‌های آینده به هیچ وجه کاملاً قابل پیش‌بینی نیستند و ممکن است فرماندهان آینده با وضعیت‌هایی مواجه شوند که دانش پیشین آنها (هر چند قدرتمند و مفصل) بکار نیاید لذا باید واجد چنان توانایی‌هایی شوند که قادر به خلق دانش و تصمیم در موقعیت‌های کاملاً ناشناخته گردند لذا برای چنین قابلیت‌ی، محتوای روینده لازم است.

### پیشنهادات

- ۱- بازنگری در حجم و تعداد واحد تخصصی به بعضی از دروس و مباحث.
- ۲- انجام پژوهشی مستقل در مورد اثربخشی افسران از خارج آمده و تولید محتوا توسط آنها.
- ۳- حذف یا رفع نقص، دروسی که از دید اساتید و دانشجویان، غیر ضروری اعلام می‌شوند.
- ۴- گنجاندن محتوا و درسی در باره جنگ‌های معاصر در منطقه و جهان، در برنامه درسی دوره.
- ۵- ایجاد جذابیت و به روز کردن محتوا جهت افزایش انگیزه یادگیری و ارتقاء اثربخشی آموزش
- ۶- بررسی اثربخشی تغییرات اساسی مورد نظر در برنامه از طریق پژوهش‌های شبه آزمایشی.

(به عنوان مثال: در یک دوره، افسران را به دو گروه آزمون و گواه تقسیم نموده و برای گروه آزمون، بجای دروس زائد و کمتر ضروری، دروسی در زمینه‌هایی دیگر چون اقتصاد توسعه (علل عقب افتادگی جهان سوم)، جامعه شناسی، سیاست و امثالهم گنجانده و پس از دانش آموختگی و ۳ الی ۶ ماه حضور در یگان‌ها، اثربخشی و رضایت همگی آن‌ها، از دید خود، فرماندهان، همقطاران و زیردستانشان ارزیابی شود و نتایج دو گروه با هم مقایسه گردد).

### تشکر و قدردانی:

با تشکر و قدردانی از کلیه فرماندهان، اساتید، مسئولان، کارکنان و دانشجویان دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا که در تمام مراحل این پژوهش، کمال محبت و همکاری را مبذول فرمودند. همچنین با تشکر از اساتید مدعو، معاونت محترم آموزش ستاد کل و تمام فرماندهان و افسران ستادی مستقر در یگان‌های رزمی که در مصاحبه‌های این پژوهش (پایان نامه اصلی) مشارکت فرمودند، از همگی قدردانی و سپاسگزاری کرده و برای تمام عزیزان مذکور سلامتی و شادی آرزو مندیم.

### منابع

- برزینکا، ولفگانگ (۱۹۵۷). نقش تعلیم و تربیت در جهان امروز، ترجمه مهرآفاق بایبوردی (۱۳۷۱)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- بوستانی، عباس (۱۴۰۰). سنجش اثربخشی محتوای آموزشی گروه آموزش‌های تخصصی زمینی دافوس، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا (دافوس).
- بهارلو، عبدالله (۱۴۰۰). همبستگی برنامه‌های درسی مرکز آموزش مهندسی نزا با نیازهای دانشی جنگ‌های آینده، رساله کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا (دافوس).
- جمالی زواره، بتول و همکاران (۱۳۸۸). تبیین معیارهای محتوایی تالیف و تدوین کتب درسی دانشگاهی رشته‌های علوم تربیتی مشاوره و روانشناسی، فصل‌نامه سخن سمت، (۲۱): ۳۱-۴۹.
- جواهری، فاطمه (۱۳۹۷). تحلیل سیاست‌های فرهنگی در دانشگاه‌های دولتی ایران پس از انقلاب، تهران: انتشارات دفتر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.

حاجی میرآقا، اسماعیل و مینا رنجبری (۱۳۹۵). کنفرانس ۱۶ خرداد، گرجستان، [www.icmeh.org](http://www.icmeh.org).

خالدزاده، عین‌اله (۱۳۷۴). تاریخچه دافوس، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا.

خاک‌باز، عظیمه سادات و همکاران (۱۳۸۹). بررسی برنامه درسی میان رشته‌ای در آموزش عالی، دو فصل نامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، ۱ (۲): ۲۷-۵۶.

درانی، کمال (۱۳۷۸). تاریخ آموزش و پرورش ایران قبل و بعد از اسلام، تهران: انتشارات سمت.

دهقانی، محمدرضا و مسلم چرابین (۱۳۹۶). برنامه ریزی درسی مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات، فصل‌نامه پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و حسابداری (۶): ۱۶۴-۱۷۹.

رضویه، اصغر (۱۳۹۰). روش‌های پژوهش در علوم رفتاری، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز. صفری مهجن آبادی، محمد و همکاران (۱۳۹۸). بررسی سیر تاریخی تعلیم و تربیت ایران و نقاط قوت و ضعف آن در سه دوره باستان، اسلامی و معاصر، فصل‌نامه آموزش پژوهی، (۱۷)، ۳۹-۵۵.

ضرغامی، سعید و همکاران (۱۴۰۱). تحلیل ساخت شکنانه مولفه‌های آموزش در کلاس درس معکوس، فصل‌نامه پژوهش‌های تربیتی، (۴۹): ۴۰-۶۷.

ظریف منش، حسین و همکاران (۱۴۰۱). نیاز سنجی آموزشی سطوح راهبردی دوره دکترای اندیشه نظامی، فصل‌نامه مطالعات دفاعی استراتژیک، ۲۰ (۸۸)، ۱۷۲-۱۵۱.

عباسیان، غلامرضا و همکاران (۱۳۹۲). ارزیابی برنامه آموزش‌های علمی دانشگاه افسری امام علی (ع)، فصل‌نامه مدیریت نظامی، ۱۳ (۵۲)، ۶۸-۳۶.

عیاسیان، محمد و همکاران (۱۴۰۲). مدل پیش بینی آموزش نظامی با هوش مصنوعی، فصل‌نامه آینده پژوهی دفاعی دافوس آجا (۳۱): ۳۶-۶۶.

فرنگ، مرتضی و ابوالفضل قاسم زاده علیشاهی (۱۳۹۶). نقش محتوای برنامه درسی در بهبود کیفیت آموزشی در دانشگاه‌ها، کنفرانس بین‌المللی دانشگاه شیراز، ۲۰۱۷.

فهامی، شهریار (۱۴۰۲). راهنمای برنامه‌های درسی دانشکده جنگ آمریکا، تهران، انتشارات دافوس.

کنن، رابرت و دیوید نیویل (۱۳۸۸). راهنمای بهبود روش‌های تدریس در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، ترجمه احمدرضا نصرافهانی و همکاران، اصفهان: انتشارات سمت.

گیلهام، بیل (۱۳۹۳). روش پژوهش مطالعه موردی، ترجمه جعفر عبدالملکی، تهران: انتشارات برنا.

میرزاییگی، علی (۱۳۸۰). برنامه ریزی درسی و طرح درس در آموزش نیروی انسانی، تهران: نشر یسطرون.

Bodine, E. & Fujiwara, J. (2024). Challenges to achieving information warfare convergence in the U.S. Air Force, [Rand.org/pubs/search-reports/RRA 771-2. HTML.](https://www.rand.org/pubs/search-reports/RRA771-2.html)

Dascala, D. Et al. (2024). Generation Z and Joint professional military education, [Rand.org/ Rand.org/pubs/search-reports/ RRA3249-1. HTML.](https://www.rand.org/pubs/search-reports/RRA3249-1.html)

Hartog, J. (2016). Safeguarding quality of higher education in the Netherlands. Closing the gap between policy and research. Working Papers. [www.Casifo.org/wp.https://ideas.repec.org/p/ces/ceswps/- 5706.](https://www.casifo.org/wp/https://ideas.repec.org/p/ces/ceswps/-5706)

Kelly, P. & Smith, H. (2024). How to think about integrating generative ai in professional military education, *Military Review Online Exclusive.*

Martinez Machain, C. (2021). Exporting influence: US military training as soft power. *Journal of Conflict Resolution*, 65(2-3), 313-

Nimmo, J. (1995). Emergent curriculum (pp.199-213). In, P. Andrew (Ed.), *Conference Proceedings of "The Challenge of Reggio Emilia: Realizing the Potential of Children."* Melbourne, Australia: University of Melbourne.341.  
<https://doi.org/10.1177/0022002720957713>

Noaman, A. Y., Ragab, A. H. M., Madbouly, A. I., Khedra, A. M., & Fayoumi, A. G. (2017). Higher education quality assessment model: towards achieving the educational

- quality standard. *Studies in Higher Education*, 42(1), 23-46.
- Oliva, P, F (2004). Developing the curriculum, <http://www.Amazon.Com>.
- Salo, E. (2023). When West Point didn't want to watch the new deal, war room. *Armywarcollege. Edu/articles/the-new-deal/*.
- Schmidt, Todd. (2024). Demonstrating the Pen Is Mightier than the Sword, *Military Review Online Exclusive*.
- Westbury, I. (1991). Text book, in: A. Lewy(Ed). *The International Encyclopedia of Curriculum*, Oxford. Pergamon.
- Zoljanahi, F. (2008). A Study of the Extent of Adaptation of Documentation of Text Book References with their Content. *Journal of Technical and Vocational Education (Roshd Amouzesh Fanni VA Herfeie)*, 4(2), 12-16.